

عکس



برنت استیوتون (از مجموعه ۱۰۰ عکس تأثیرگذار همه دوران به انتخاب TIME)

گوریل در کنگو

[مهدی حسینی] به گزارش پایگاه خبری «جبین» برای حمل کردن این گوریل کوهی پشت نقره‌ای، ۲۲۶ کیلوگرمی که سنکونکه نام داشت، به نیروی بیش از ۱۲ نفر نیاز بود. برنت استرتن، عکاس این صحنه از زمانی ثبت کرد که در پارک ملی ویرونگا کشور جمهوری دموکراتیک کنگو مشغول عکاسی بود. بیش از نیمی از نژاد کمیاب گوریل‌های کوهی در ویرونگا نگهداری می‌شوند و زمانی که درگیری‌ها در این پارک بالا گرفت، سنکونکه و چندین گوریل دیگر جان خود را از دست دادند. استرتن این عکس را سال ۲۰۰۷ زمانی ثبت کرد که محافظان پارک و ساکنان آن منطقه قصد داشتند سنکونکه را از جنگل خارج کنند. در آن زمان در اثر نسل‌کشی رواندا، صنعت زغال این منطقه رشد زیادی کرده بود، به همین دلیل مردم با ورود غیرقانونی به مناطق همچون این پارک به دنبال قطع درختان و سرقت چوب بودند. نتیجه کار کشته شدن این گوریل‌ها بود. در این عکس، سنکونکه عظیم و تأثیرگذار به نظر می‌رسد. این تصویر نشان می‌دهد بحرانی که در مرکز آفریقا رخ داد، نه تنها انسان‌ها بلکه حتی بقیه موجودات و محیط زیست را هم تحت تأثیر خود قرار داده است. سه ماه بعد، عکس استرتن در نشریه نیوزویک منتشر شد. بعد از آن ۹ کشور آفریقایی (از جمله کنگو) با امضای یک معاهده متعهد شدند از این به بعد گوریل‌های کوهی پارک ویرونگا محافظت می‌کنند. □

سریال

چگونه از مجازات قتل فرار کنیم

[بردیا برجسته‌نژاد] همه چیز از یک حادثه شروع می‌شود، از بی‌فکری چند دانشجوی رشته حقوق که هدف‌شان این است که در آینده وکلای مشهوری برای دفاع از همین دست حوادث شوند. استاد آنها آنالیس کیتینگ با بازی ستایش‌شده و ایولاد دیویس، وکیل مشهور جنایی که هر اصلی را برای برنده شدن در پرونده هاش زیر پا می‌گذارد، وارد داستان می‌شود. از اینجا به بعد است که رازها برملا می‌شود، اعتمادها از بین می‌رود، خیانت‌ها تکرار می‌شود، جان‌ها به خطر می‌افتد و برای فرار از مجازات جنایتی که رخ داده است، جنایات دیگری رقم می‌خورد.

این خلاصه داستان سریالی در ژانر جنایی هیجانی به نام «چگونه از مجازات قتل فرار کنیم» است که پخش آن از سال ۲۰۱۴ در شبکه ABC آغاز شد، تا هفته پیش که پس از ۶ فصل و در مجموع ۹۰ قسمت به پایان رسید. خالق این مجموعه پیتر نوواک است، کسی که سابقه فعالیتش در تلویزیون محدود می‌شود به نویسندگی چند قسمت سریال «آنا تومی گری» و حضور به‌عنوان دستیار تهیه‌کننده اجرایی در سریال «رسوایی». هر قسمت از این سریال پراز

اتفاق‌های ریز و درشت است، پر از سنگ‌هایی که بر سر راه فرار این چند نفر قرار می‌گیرد که باید در کمترین زمان ممکن برطرف شود. لحظه‌به‌لحظه آن، مخصوصاً سکانس‌هایی که در دادگاه می‌گذرد و شیوه عجیب وکالت قهرمان داستان، چنان هیجانی را برمی‌انگیزد و مخاطب را با خود درگیر می‌کند که ناخواسته وارد یک بازی ذهنی عجیب با سازندگان سریال می‌شود؛ اینکه بتواند رفتار کاراکترها را در مواجهه با اتفاق‌ها و تلاش‌شان را برای فرار از شرایط موجود به درستی حدس بزند!

ایولاد دیویس، بازیگر شناخته‌شده سینما، تئاتر و تلویزیون با ایفای نقش اصلی در این سریال آن قدر درخشان است که تحسین همگان را برانگیخت و سبب شد او به‌عنوان نخستین زن سیاه‌پوست جایزه امی ساعات پربنده برای بازیگری نقش اول زن در یک سریال «دراما» را تصاحب کند. همچنین این سریال برای دیویس دو بار برنده شدن جایزه انجمن بازیگران فیلم، یک بار برنده شدن جایزه ایمپ و چندین مورد کاندید شدن در مراسم مختلف را به همراه داشت. □



نمایشنامه

اثر پرتوهای گاما بر روی گل‌های همیشه‌بهار ساکنان کره ماه

[سپیده سرایی] عنوان نمایشنامه دقیقاً این است: «اثر پرتوهای گاما بر روی گل‌های همیشه‌بهار ساکنان کره ماه». این نمایشنامه نخستین و شناخته‌شده‌ترین نمایشنامه پل زیندل است که سال ۱۹۷۱ جایزه پولیتزر را از آن خود کرد. زیندل متولد ۱۹۳۶ در نیویورک بود. دبیرستان می‌رفت که نخستین نمایشنامه‌اش را نوشت. او تمام نوجوانی را به نوشتن نمایشنامه ادامه داد، اما در دانشکده در رشته شیمی تحصیل کرد. زمان تحصیل یک دوره نویسندگی خلاق را زیر نظر ادوارد آلبی، نویسنده مشهور گذراند؛ نویسنده معروف «چه کسی او ویرجینیا وولف می‌ترسد». بعد از آن آلبی تبدیل به حامی و معلم او شد. زیندل ۱۰ سال بعد را به‌عنوان معلم شیمی و فیزیک در یک دبیرستان گذراند. او نمایشنامه «اثر پرتوهای گاما بر روی گل‌های همیشه‌بهار ساکنان کره ماه» را سال ۱۹۶۴ نوشت. این

نمایشنامه سال ۱۹۷۱ در برادوی روی صحنه رفت و موفقیت زیادی را برای زیندل به همراه آورد. او در همان سال جایزه بهترین نمایشنامه پولیتزر را برای این نمایشنامه برد و سال ۱۹۷۲ پل نیومن براساس آن فیلمی سینمایی ساخت. زیندل در مجموع ۵۳ کتاب منتشر کرد. او اغلب برای کودکان و نوجوانان می‌نوشت و سال ۲۰۰۳ درگذشت. زیندل در نمایشنامه «اثر پرتو...» با طرح مضمونی علمی به ترسیم لایه‌های روانی و روابط عاطفی شخصیت‌ها می‌پردازد. تجربه‌های کودکی نویسنده در خانه‌ای بدون پدر با مادری عصبی و خواهری صرعی و علاقه به گل‌های همیشه‌بهار، مستقیماً به نمایشنامه راه پیدا کرده است. انتشارات «بیدگل» نمایشنامه «اثر پرتو...» را به تازگی با ترجمه شهرام زرگر به چاپ چهارم رسانده است که می‌توانید آن را تهیه کنید و بخوانید. □

فیلم

نارنگی

[یاسر نوروزی] مردی با لباس نظامی روبه‌روی خانه‌ای روستایی می‌ایستد و در می‌زند. داخل پیرمردی در حال چوب‌بری است؛ جعبه‌های میوه می‌سازد. پیرمرد در را باز می‌کند و نوعی بازجویی ابتدایی همان اول شکل می‌گیرد؛ اینکه اهل کجاست؟ چرا اینجا آمده‌اند؟ مابقی خانواده‌اش کجا زندگی می‌کنند؟... سریاز چینی از پاسخ‌های پیرمرد قانع می‌شود، اما به او می‌گوید غذایی برایشان بیاورد، چون دوستش هم داخل جیبش نشسته و هر دو گرسنه‌اند. پیرمرد غذایی به آنها می‌دهد و می‌روند. اما هنوز چند دقیقه نگذشته که صدای انفجاری مهیب پیرمرد را بیرون می‌کشد. جیب نظامی سریاز چینی سرنگون شده، آن سوت‌ر هم کامیونتی کوچومعوج با نفرات داخلش لت و پوار افتاده. پیرمرد دوست باغبانش به سرعت سمت آنها می‌روند. سریاز چینی زنده است، اما تیر خورده. پیرمرد او را بلند می‌کند، به خانه برود و برای کشتگان دیگر، گوری دسته‌جمعی می‌کند. اما زمان خاک‌ریختن روی جنازه‌ها تازه می‌همد که یکی از نفرات دشمن هم زنده است؛ یک سریاز گرجستانی. پیرمرد او را هم برای مداوا داخل خانه می‌آورد. حالا این دوسریاز، از دو وجهه مخالف، آفاق به‌اتاق هم‌روی تخت خوابیده‌اند و در حال مداوا هستند. پیرمرد در اتاق سریاز گرجی را قفل می‌کند، نکتند سریاز چینی در خواب‌آورا خفه‌کند یا بکشد. مادر واقع حالاً با درامی هیجان‌انگیز، ترازیک و البته به‌شدت انسان‌دوستانه مواجه هستیم. از مواجهه این دوسریاز که هر کدام می‌خواهند به محض بهبودی، دیگری را بکشند و پیرمردی که قرار است میانه‌داری کند، بنابراین از سریاز چینی قول می‌گیرد که در خانه‌اش خونی نریزد. جوان متعصب چینی هم وعده می‌دهد تا وقتی سریاز گرجی داخل خانه است، کاری به کار او نخواهد داشت، اما به محض بهبودی و بیرون رفتن، او را خواهد کشت؛ داستان تا همین جا هم پر از نکات بکر و بدیع است؛ به‌خصوص در فضایی از باغستان‌های نارنگی. زمان فیلم به اوایل دهه ۹۰ برمی‌گردد؛ زمانی که مردم استونی به‌جهت جنگی که در گذشته روستاها را تخلیه کرده و رفته‌اند. «نارنگی» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی زازا اورشادزه، محصول مشترک کشورهای استونی و گرجستان است که سال ۲۰۱۳ ساخته شد. نامزد بهترین فیلم غیرانگلیسی‌زبان (گلدن گلوب) ۲۰۱۵ هم شد. تفکر ضد جنگ و صلح طلبانه کارگردان در فیلم‌نامه، فیلم و دیالوگ‌ها تماماً جاری است. تماشای «نارنگی» ممکن است در لحظاتی حال‌تان را به جهت ادامه داستان دگرگون کند، اما آرامش بخش و تأمل برانگیز است؛ به‌ویژه در دوره‌ای که برخی انسان‌ها هنوز صلح‌رادر جنگ جست‌وجومی‌کنند؛ نقیضه‌ای که متاسفانه به‌قدمت تاریخ بشر، سابقه دارد... □



در صفحه امروز «زیباشهر» با سریالی آشنا می‌شوید به نام «چگونه از مجازات قتل فرار کنیم»؛ سریالی که در آن چند دانشجوی رشته حقوق، در گریز از مجازات قتل می‌شوند که خودشان سر رشته را رقم زده‌اند. این حوادث اتفاقات دیگری را به دنبال می‌آورد و ماجرا به همین شکل ادامه می‌یابد. در بخش «کتاب» به نمایشنامه‌ای با نامی عجیب از نمایشنامه‌نویسی مشهور برمی‌خورید: «اثر پرتوهای گاما بر روی گل‌های همیشه‌بهار ساکنان کره ماه» اثر پل زیندل؛ نمایشنامه‌ای با مایه‌های روان‌شناختی که لایه‌های عواطف انسانی را کنار می‌زند و یکی از آثار تأمل‌برانگیز این حوزه است. در بخش «فیلم»، فیلمی بشردوستانه و زیبا در اوج جنگ و قتل و خونریزی، در قسمت «عکس» نیز جانوری غول‌پیکر را می‌بینید که برای حمل آن ۱۲ نفر اجیر شده است؛ ماجرای این عکس را در همین صفحه بخوانید.